



جایگاه زن در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام

تهیه کننده: نیما نیک نژاد

فهرست مطالب

۱ جایگاه زن در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام
۲ مقام زن در آیین یهودیت
۶ مقام زن در آیین مسیحیت
۱۱ مقام زن در دین مبین اسلام
۱۴ قرآن در این باره می‌فرماید:
۱۶ نتیجه‌گیری
۱۹ کلام آخر
۲۰ منابع

جایگاه زن در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام

زن حقیقتی است که در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های فراوانی را تحمل کرده و از زنده به گور شدن تا خدایی شدن را به خود دیده است. زن غیر از حقیقت انسانی، رازی در خود نهفته دارد که باید جلوه‌های مختلف آن کشف و صورت‌های گوناگونش پدیدار شود تا آن گونه که هست، شناسایی و معرفی گردد.

زن در اسلام، مظهر قداست و پاکی، موجب خیر و برکت شناخته شده و از ارزش و احترام فوق العاده‌ای برخوردار است. هویت زن، هویت جامعه است و در واقع ارزش گذاشتن به زن و کمالات و خدمات بی پایان او، ارزش گذاشتن به تمام اقشار جامعه می‌باشد. این ارزش گذاشتن به زن، فقط در دین اسلام نیست و به طور کلی در فرهنگ وحی از زن به عظمت یاد شده است. برای نمونه می‌توان به حضرت مریم(س) اشاره کرد. حضرت مریم(س)، نمونه یکی از بزرگ‌ترین اعجازهای آسمانی معرفی می‌شود و وجود عیسی(ع) یکی از تجلیات کمال روحانی این زن به شمار می‌رود. حضرت مریم(س)، با تقوا و درایت بود و لحظه‌ای از توجه به پروردگارش باز نمی‌ماند و بر اثر همین فضائل، آغوشش مهد پرورش عیسی(ع) گردید.

با نظری به تاریخ حیات زن در اعصار پیشین و جستجو در رویدادهای گوناگونی که زن عهده‌دار نقش آنها بوده این نکته آشکار می‌شود که هرگاه زن جان و روان خویش را پاک نماید، به عوالم روحانی گراید و هربار که ضمیر خویش را از نگار هوس و ظاهرسازی‌ها بزدايد، چنان با عظمت و نیرومند می‌شود که حتی ممکن است تعیین سرنوشت تاریخ ملتی، به اراده او بستگی پیدا کند.

بنابراین زن، مربی بشریت است و کانون تربیت خانواده، بدون این مربی شایسته، جامعه رنگ سعادت نخواهد دید و خانه، حضور مسئولانه و مدبرانه مادری کاردان را می‌طلبد. این نقش نمی‌تواند تشریفاتی یا حتی قراردادی باشد و حق تعالی در نظام زیبا و حکیمانه آفرینش زن را در چنین جایگاهی قرارداده است. زن کانون هستی و پایگاه مهرورزی و عشق خانواده، مرکز آموزش صفا، صمیمیت، ایثار و عطوفت به همگان است.

در این مقاله بررسی و تبیین مختصری از دیدگاه ادیان گذشته تا اسلام نسبت به مقام و منزلت زن ارائه می‌شود.

مقام زن در آیین یهودیت

تصویر حوّا، در روایات یهودی به عنوان یک وسوسه‌گر، منتج به دیدی بی‌نهایت منفی نسبت به زنان شده است و همه‌ی زنان به عنوان کسانی تصور شده‌اند که از مادرشان، یعنی حوّا، گناه، حيله و تلبیس را به ارث برده و در نتیجه همه‌ی آنان نادرست کار و از نظر اخلاقی پست و گناه‌کارند.

برای روشن شدن نقش به غایت منفی وارثان مؤنث حوّا به ذکر یک موعظه از «مواعظ سلیمان» می‌پردازیم:

«و زنی را که مثل دام‌هاست و دلش تله‌هاست و دست‌هایش کمندهاست یافتم، که تلخ‌تر از مرگ است. کسی که در حضور خدا پسندیده است از او رهایی خواهد یافت، اما گناه‌کار گرفتار وی خواهد

شد، اینک واعظ می گوید؛ که این را دریافتم، بعد از شمردن چیزها یک به یک تا آن کیفیت حساب را دریابم، که جان من الی الآن در جستجویش می باشد و نمی یابد. این است که یک مرد از هزار پیدا کردم، از تمامی آن ها زنی را پیدا نکردم.^۱

در بخش دیگری از ادبیات عبری که در انجیل کاتولیک^۲ یافت می شود می خوانیم: «هیچ شرارتی، در هیچ جایی به پای شرارت زنان نمی رسد... گناه با یک زن شروع شد و به لطف اوست که همه ی ما مجبوریم بمیریم!»

ربی های یهود ۹ لعنت را که بر زنان به خاطر هبوط و سقوطشان، تحمیل شده است، چنین برمی شمارند: «۹ لعنت که خداوند همراه با مرگ به زنان تحمیل نموده است عبارتند از: ۱- تحمل بارداری، ۲- تحمل درد زایمان، ۳- تحمل بزرگ کردن فرزند، ۴- این که به عنوان گواه و شاهد پذیرفته نمی شود، ۵- پس از همه ی این ها مرگ پاداش اوست و...»^۳

ربی های یهود، این را به عنوان وظیفه ای برای مردان می دانند که برای تکثیر نژاد منشأ زاد و ولد باشند و رجحان واضحشان را برای فرزندان مذکر پنهان نمی کنند.

^۱ - مواعظ سلیمان، فصل ۷، آیات ۲۶ تا ۲۸.

^۲ - سومین قسمت از عهد عتیق از مجموعه ی کتب مقدس است. در عهد عتیق، (انجیل کاتولیک) در بین سرود سلیمان و مرائی واقع شده است و مترجمین مسیحی انگلیسی آن را بین مزامیر و مواعظ سلیمان قرار داده اند.

^۳ - زن در یهود، لئونارد، ج، سویدلر، ۱۹۷۶م، ص ۱۱۵.

«برای آنانی که فرزندشان مذکر است خوشی و برای آن‌هایی که فرزندشان مؤنث است ناخوشی است. هنگام تولد پسر همه خوش‌حالد و هنگام تولد دختر همه غم‌زده‌اند. هنگامی که پسری پا به جهان می‌گذارد صلح به جهان می‌آورد و هنگامی که دختری متولد می‌شود، هیچ!»^۴

قلب یهود، تورات است و تورات یعنی؛ قانون، اما بر طبق تلمود^۵ زنان از مطالعه‌ی تورات معافند. بعضی از ربی‌های یهود به شدت تابع این عقیده‌اند که «بهتر است کلمات تورات به آتش بسوزد تا این که زنان از آن بهره‌مند شوند. و هر کس دخترش را تعلیم دهد مانند این است که او را وقاحت تعلیم نموده است.»^۶

زنان در جامعه‌ی یهودی قدیم اجازه‌ی شهادت نداشته‌اند و ربی‌ها می‌گفتند؛ زنان به خاطر چند لعنتی که بر آن‌ها تحمیل شده است حق شهادت ندارند، زنان در اسرائیل کنونی نیز حق شهادت دادن در دادگاه ربیون را ندارند.^۷

در یهود، نظارت پدر بر دختر آن اندازه مطلق است که حتی اگر بخواهد می‌تواند دخترش را بفروشد و این نکته در نوشته‌های ربیون آمده است: «مرد می‌تواند دخترش را بفروشد، اما زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند دختر را نامزد کند، اما زن نه.»^۸

^۴ - زن در یهود، سویدلر، ص ۱۴۰.

^۵ - تلمود: مجموعه سنت‌های ربانی که قوانین و مقررات حضرت موسی (ع) را شرح و تفسیر می‌کند.

^۶ - یهودیت، دنیس، ال، کارمودی، ص ۱۹۷.

^۷ - زنان اسرائیلی، حقیقت در پشت پندار، لسلی هازلتنون.

^۸ - زن در یهود، سویدلر، ص ۱۴۱.

ریبون یهود، حق شوهر بر دارایی‌های همسرش را به عنوان یک نتیجه‌ی فرعی از مالکیت شوهر بر همسر می‌دانند. اگر شخصی، مالک زنی شود آیا به این نتیجه نمی‌رسیم که او مالک دارایی‌های او نیز هست؟ و اگر او زن را به دست آورد، آیا دارایی او را به دست نمی‌آورد؟^۹

تلمود، وضعیت دارایی و مالی همسر را این‌گونه شرح می‌دهد:

«چگونه زن می‌تواند چیزی از خود داشته باشد، در صورتی که او مال شوهرش است؟ هر چیزی در شوهر است برای شوهر است و هر چه با اوست (همسر) نیز برای شوهر است... در آمد و هر چه در خیابان‌ها به دست می‌آورد مال شوهر است. متاع در خانه، حتی خرده‌نان‌های روی میز مال اوست (شوهر)... او (همسر) اگر مهمانی را به خانه کند و غذایش دهد از شوهر خویش دزدی نموده است.»^{۱۰}

یهود، طلاق را بدون هیچ استثنایی جایز می‌شمارد، عهد قدیم، این حق را به شوهر می‌دهد که حتی اگر زنش را دوست نداشته باشد او را طلاق دهد.

زنان در جامعه‌ی یهودی قدیم اجازه‌ی شهادت نداشته‌اند و ربی‌ها می‌گفتند؛ زنان به خاطر چند لعنتی که بر آن‌ها تحمیل شده است حق شهادت ندارند، زنان در اسرائیل کنونی نیز حق شهادت دادن در دادگاه ریبون را ندارند

^۹ - زن در یهود، سویدار، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

^{۱۰} - تلمود، گیت ۶۲.

«مکتب شمایی^{۱۱} می گوید؛ که مرد نباید زنش را طلاق دهد، مگر این که گناهی از نوع «سوءرفتار جنسی» از او ببیند، در حالی که مکتب هیلل^{۱۲} می گوید؛ که او می تواند زنش را صرفاً برای این که غذایش را فاسد کرده طلاق دهد. ربی آخیا^{۱۳} می گوید؛ او حتی اگر دید که زن دیگری زیباتر از زن خودش است می تواند او را طلاق دهد.»^{۱۴}

عهد جدید، نظر شمایی را پذیرفت، در حالی که قانون یهود نظر هیلل و ربی اخیا را پیروی نمود.^{۱۵}

مقام زن در آیین مسیحیت

گناه حوا نقش اساسی در ایمان همه ی مسیحیان دارد، زیرا به تصور مسیحیان علت مأموریت عیسی مسیح (ع) بر روی زمین نافرمانی و سرپیچی حوا از دستور خداوند سرچشمه می گیرد. او گناه کرد و سپس آدم را اغوا نمود که درخواستش را اجابت کند. بنابراین خداوند هر دوی آنان را از آسمان به زمین هبوط داد، زمینی که به خاطر آنان لعنت شده بود. آن دو گناهانشان را که از سوی خداوند بخشیده نشده بود به همه ی نسل هایشان واگذار نمودند و بنابراین تمام انسان ها زاییده می شوند و برای پاک کردن انسان از گناه نخستین، خداوند مجبور بود که عیسی مسیح (ع) را که به منزله ی پسر خدا بود به صلیب قربانی نماید.

^{۱۱} - مکتب شمایی یکی از دو مکتب فراسیسی یهودی است که توسط بت شمایی پایه گذاری شد.

^{۱۲} - مکتب هیلل یکی از دو کتب فراسیسی یهودی است که نسبت به مکتب شمایی درباره ی اوامر مذهبی قابل انعطاف تر می باشد.

^{۱۳} - اخیا بن یوسف، حکیم یهودی (۱۳۵ - ۱۴۰ م) پایه گذار اصلی ربانیت یهودی است.

^{۱۴} - تلمود، گیت ۹.

^{۱۵} - ازدواج یهودی، اپستین، ص ۱۹۶.

«و باید که زن به آرامی و با کمال اطاعت گیرد و زن را به تعلیم دادن اجازت نمی‌دهیم تا آن که زیر دست مرد باشد، بلکه سکوت اختیار کند، آدم خلق شد و حوا، آدم فریفته نشد، بلکه زن فریفته شد و از حد تجاوز نمود.» (پولس)^{۱۶}

مارتین لوتر^{۱۷} هیچ سودی جز بچه‌دار شدن و به دنیا آوردن کودکان تا سر حد امکان، بدون توجه به جوانب آن، برای زنان قائل نیست.

«اگر آن‌ها از پا در آمدند و یا حتی مُردند، مسئله‌ای نیست، بگذارید آنان در زایمان بمیرند، زیرا این دلیل بودن آن‌ها در اینجاست.»

انجیل کاتولیک می‌گوید: «زایش دختر یک خسارت است.»^{۱۸}

دختر به عنوان مولودی دردناک و منبعی نهایی برای آبروریزی پدرش به حساب آمده است:

«دختر تو نافرمان است؟ به شدت مراقب او باش که باعث نشود تو سبب خنده‌ی دشمنان واقع شوی و سر زبان‌ها بیفتی و در معرض شایعات مردم قرار گیری و آبروی خود را در میان مردم بریزی.»^{۱۹}

^{۱۶} - نامه‌ی اول پولس به تیموتیوس، باب دوم، آیات ۱۱ تا ۱۴.

^{۱۷} - بانی آیین پروتستان (۱۴۸۳ تا ۱۵۴۶ م).

^{۱۸} - انجیل کاتولیک، فصل ۳، آیه‌ی ۲۲.

^{۱۹} - انجیل کاتولیک، فصل ۲۶، آیات ۱۰ و ۱۱.

اگر یک مرد زنش را متهم به بی‌عفتی نماید، شهادت آن زن به هیچ‌وجه مورد ملاحظه قرار نخواهد گرفت. زن متهم شده باید مورد محاکمه‌ی سختی قرار گیرد تا مشخص شود او مجرم است یا بی‌گناه.^{۲۰}

بر طبق انجیل، اگر مردی عهدی با خدا بست، باید به طور کامل آن را عمل نماید و نباید عهدش را بشکند، اما نذر زن برای او الزام‌آور نیست و باید با موافقت پدرش باشد. اگر در خانه‌ی پدری زندگی می‌کند و یا اگر ازدواج کرده است باید با موافقت شوهرش باشد. و چنانچه پدر و یا شوهر عهد و نذر او را باطل بدانند هر گونه ضمانتی که توسط او انجام گرفته، پوچ و بی‌معنا خواهد بود.

«اما اگر پدرش او را در روز شنیدنش مانع آید پس تمامی نذرها و قیدهایی که بر خودش بسته است ثابت نخواهد شد... اگر شوهرش آن‌ها را فی‌الواقع باطل ساخته است، در روز شنیدنش، پس هر چه که در باب نذرش و در باب مقید ساختن خودش از لبانش جاری شده باشد استوار نخواهد شد، چون که شوهرش آن‌ها را باطل گردانیده است.»^{۲۱}

مسیحیت روی هم رفته از طلاق نفرت و انزجار دارد، عهد جدید صریحاً از ازدواج لاینحل و ابدی جانب‌داری می‌کند. این نسبتی است که به عیسی (ع) می‌دهند، او گفته است:

^{۲۰} - نوم، فصل ۵، آیات ۱۱ تا ۳۱.

^{۲۱} - سفر اعداد، فصل ۳۰، آیات ۲ تا ۱۵.

«اما من به شما می‌گویم؛ هر کس زنش را طلاق دهد، مگر در مورد بی‌ایمانی در امر ازدواج، باعث گردیده که او به انحراف کشیده شود و هر کس زن طلاق داده شده را به نکاح در آورد مرتکب انحراف شده است.»^{۲۲}

اجبار نمودن زوج‌های از هم بریده به ماندن در کنار هم و مقاومت کردن در مقابل خواسته‌ها، نه مؤثر است و نه عقلانی، تعجب ندارد که جهان مسیحیت مجبور به طلاق کلیسایی شده است.

تلمود، چندین عمل جزئی و کوچک را مطرح نموده که شوهران را مجبور می‌سازد تا زنان را طلاق دهند:

«اگر در خیابان غذا خورد، اگر نوشیدنش در خیابان طولانی شد، اگر در خیابان فرزندش را شیر داد، در هر مورد، ربی میر^{۲۳} می‌گوید؛ باید شوهرش را ترک کند.»^{۲۴}

زنی که در طول ده سال نزیاید، ربی‌ها به ما تعلیم نموده‌اند که اگر یک مرد زنی را گرفت و با او به مدت ده سال زندگی کرد و او بچه‌دار نشد، مرد باید او را طلاق دهد.»^{۲۵}

«اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد» (رساله پولس، اول قرنتیان، ۳:۱۱) زنان از مسیح محرومند.»

^{۲۲} - انجیل متی، فصل ۵، آیه ۳۲.

^{۲۳} - ربی میربن باروخ (۱۲۱۵ تا ۱۲۹۳ م) یکی از مفسرین تلمود می‌باشد.

^{۲۴} - تلمود، گیت، ۸۹.

^{۲۵} - تلمود، یب (Yeb) ۶۴.

«زیرا که مرد نباید سرخود را بیوشاند، چون که او صورت و جلال خداست اما زن جلال مرد است.»

(رساله پولس، اول قرن‌تین، ۷:۱۱) فقط مردان می‌توانند جلال خدا باشند.»

«شوهر سر زن است، چنان که مسیح نیز سر کلیسا» (افسیان، ۵:۲۳)

«ای زنان! شوهران خود را اطاعت کنید، چنان که خداوند را.» (افسیان، ۵:۲۲)

«هم‌چنان که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز شوهران خود را در هر امری مطیع باشند.» (افسیان،

۵:۲۴)

«و نیز مرد به جهت زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد.» (قرن‌تین، ۱۱:۹)

یکی از احکام که در عهد عتیق ذکر شده احکام فروختن دختر به عنوان کنیز است و برای آن قوانینی

وضع نموده‌اند و مسیحیان این احکام را از جانب خداوند می‌دانند. (سفر خروج، ۲۱:۷)

مطابق کتاب مقدس زن، پس از ده بار طلاق ناپاک می‌شود.» (تثنیه، ۲۴:۴)

مقام زن در دین مبین اسلام

اسلام در حق زن نظریه‌ای ابداع کرده که از روزی که جنس بشر پا به عرصه‌ی دنیا گذاشت تا آن روز، چنین طرز تفکری در مورد زن وجود نداشت. اسلام در این نظریه‌ی خود، با تمام مردم جهان در افتاده و زن را آن طور که هست و بر آن اساسی که آفریده شده به جهان معرفی کرده اساسی که به دست بشر منهدم شده و آثارش نیز محو گشته بود. اسلام عقاید و آرائی که مردم درباره‌ی زن داشتند و رفتاری که عملاً با زن می‌کردند را بی‌اعتبار نمود و خط بطلان بر آن‌ها کشید.

«و ای آدم، تو با جفت خود در بهشت منزل گزینید و از هر چه بخواهید تناول کنید، لیکن نزدیک این درخت نروید که بدعمل شده، بر خویش ستم خواهید کرد. آن گاه شیطان هر دو را به وسوسه انداخت و فریب داد تا زشتی‌های پوشیده‌ی آنان پدیدار شود و به دروغ گفت: خدا شما را از این درخت نهی نکرد جز برای آن که مباد دو پادشاه شوید یا عمر جاویدان یابید. و برای آن دو سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم و شما را به خیر و صلاح دلالت می‌کنم. پس راهنمایی به فریب و دروغ کرد تا چون از آن درخت تناول کردند، زشتی‌هایشان آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بپوشانند. خداوند ندا کرد؛ آیا من شما را از این درخت منع نکردم و نگفتم که شیطان سخت دشمن شماست؟ گفتند: خدایا ما بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رأفت و محبت نفرمایی سخت از زیان کاران شده‌ایم.»^{۲۶}

قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید: که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ایم. قرآن درباره‌ی آدم اول می‌گوید: «همه‌ی شما را از یک پدر آفریدیم و جفت

^{۲۶} - سوره‌ی اعراف، آیات ۱۹ تا ۲۳.

آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم.^{۲۷} و درباره‌ی همه‌ی آدمیان می‌گوید: «خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید.»^{۲۸}

دیدگاه قرآن نسبت به زنان متفاوت از مردان نیست. آنها هر دو، مخلوقات خداوند هستند که هدف والای آنها بر روی زمین عبادت خداوند و عمل صالح و پرهیز از شیطان و بدی است.

آنها هر دو، بر طبق آن پاداش می‌گیرند. قرآن هرگز نمی‌گوید که زنان دروازه‌ی شیطان هستند و یا طبیعتاً اغواگر و فریبکارند و نیز نمی‌گوید که مرد تمثال خداست. همه بر طبق قرآن مخلوقات خداوندند. نقش زن بر روی زمین فقط زاییدن نوزاد نیست. او بایسته است که همان اعمال خوبی که مردان انجام می‌دهند را انجام دهد. قرآن هرگز نمی‌گوید که هیچ زن درستکاری وجود ندارد. در مقابل، قرآن همه‌ی مؤمنان را، چه مرد و چه زن، به تبعیت از آن دسته از زنان که مانند حضرت مریم(س) و آسیه زن فرعون هستند راهنمایی می‌کند «و باز خداوند مثل می‌زند برای مؤمنان [آسیه] زن فرعون را هنگامی که از شوهرش بیزاری جست] و عرض کرد: بار الهی! من از قصر فرعون و عزّ دنیوی گذشتم] تو برای من خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار او نجات بخش، و یادآور عمل مریم دختر عمران را که رحمش را پاکیزه داشتیم، آن گاه در او روح قدسی خویش دمیدیم که آن مریم تصدیق کرد کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی را با کمال ایمان و از بندگان فرمانبردار ما بود.»^{۲۹}

^{۲۷} - سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱.

^{۲۸} - سوره‌های نساء، نحل و روم.

^{۲۹} - تحریم، آیات ۱۱ - ۱۳.

«پس خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من که پروردگارم عمل هیچ کس از مرد و زن، بی مزد نگذارم، بعضی از مردم بر برخی برتری ندارند مگر به طاعت و معرفت.»^{۳۰}

«هر کس از مرد و زن، کار نیکی، به شرط ایمان به خدای، به جای آورد، ما او را در زندگی خوش و با سعادت زنده می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا می‌کنیم.»^{۳۱}

«مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پای می‌دارند و زکات می‌دهند و در هر حال خدا و رسول را اطاعت می‌کنند. آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است.»^{۳۲}

اسلام هیچ تفاوتی بین پسر و دختر قایل نیست و حتی تولد دختر را هدیه از جانب خداوند می‌داند؛ همانند تولد یک پسر، در قرآن حتی به تولد دختر به عنوان یک هدیه اشاره می‌کند.

«خداست تنها مالک آسمان‌ها و زمین، هر چه را که بخواهد می‌آفریند، به هر که بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر عطا می‌کند.»^{۳۳}

«هر کس دخترش را بزرگ گرداند و با او رفتار نیک داشته باشد، آنها از جانب خداوند، در مقابل آتش دوزخ حراست خواهند شد.»^{۳۴}

^{۳۰} - آل عمران، آیه ۱۹۵.

^{۳۱} - نحل، آیه ۹۷.

^{۳۲} - توبه، آیه ۷۱.

^{۳۳} شوری، آیه ۴۹.

در اسلام نذر و پیمان هر مسلمانی، چه مرد و چه زن، برای خودش الزام‌آور است و عدم پایبندی به عهد و نذر، چه برای مرد و چه برای زن، مستوجب کفاره است.

قرآن در این باره می‌فرماید:

«خداوند به قسم‌های لغو و بی‌هوده [که به زبان است نه به دل] شما را مؤاخذه نخواهد کرد ولی آن قسمی که از روی عقیده‌ی قبلی یاد کنید مؤاخذه خواهد نمود. کفاره‌ی آن قَسَم، طعام ده فقیر است؛ از آن طعام متوسط که برای اهل خود غالباً تهیه می‌کنید و یا جامه بر آنها (فقیران) پوشانیده و یا بنده‌ای آزاد کنید...»^{۳۵}

اسلام شخصیت مستقل زن را تضمین کرده است. شوهر اجازه ندارد که سهمی در مایملک همسرش داشته باشد، مگر آنهایی را که همسر با رضایت کامل و آزادانه به او تقدیم کرده است.^{۳۶}

«و مهریه زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر پردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند برخوردار شوید که آن شما را حلال و گوارا خواهد بود.»^{۳۷}

^{۳۴} - کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۲.

^{۳۵} - مائده، آیه ۸۹.

^{۳۶} - فقه السنه، السید السابق، قاهر، ۱۹۹۶م، ص ۲۱۸-۲۲۹.

^{۳۷} - سوره نساء، آیه ۴.

زوج و زوجه هر دو از یکدیگر ارث می‌برند، علاوه بر این، در اسلام، زن متأهل استقلال شخصیتی و قانونی‌اش را و نام و نام‌خانوادگی‌اش را حفظ می‌کند.^{۳۸}

در خصوص طلاق، اسلام برای هر دو حق در نظر می‌گیرد. اسلام حق طلاق را به شوهر می‌دهد و به زن نیز حق فسخ ازدواج را به طریقی که به آن خلع می‌گویند می‌دهد.^{۳۹}

«و اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر به جای او به همسری اختیار کنید و مال بسیار بر او مهر قرار داده‌اید، البته نباید چیزی از مهر او باز گیرید، آیا به وسیله‌ی تهمت زدن به زن مهر او را می‌گیرید؟ و این عمل گناهی بزرگ و زشتی آن آشکار است.»^{۴۰}

در برخی موارد، زن مسلمان دوست دارد زندگی زناشویی را حفظ کند اما به خاطر دلایلی از قبیل ظلم شوهر و یا بی‌وفایی و ترک بی‌مورد شوهر یا ناتوانی شوهر در امر زناشویی و ... مجبور به تقاضای طلاق می‌شود. در این‌گونه موارد، دادگاه اسلامی ازدواج را فسخ می‌کند.^{۴۱}

بنابر آنچه گفته شد ثابت می‌شود که مرد و زن دو فرد، از یک نوع و از یک جوهرند، جوهری که نامش انسان است، چون تمامی آثاری که از انسانیت در صنف مرد مشاهده شده، در صنف زن نیز مشاهده شده است، (اگر در مرد فضائلی از قبیل سخاوت، شجاعت، علم، خویش‌داری و امثال آن دیده شده

^{۳۸} - زن در دین اسلام، لیلا بدای، لندن، ۱۹۹۴م، ص ۱۰۲.

^{۳۹} - ستاره تورانتو، ص ۳۱۸ - ۳۲۹، و نیز رجوع شود به قضیه‌ی المرأه بین الثقالیر الرقیده‌ی والوفیه،

محمد غزالی، قاهره، دارالشروق، چاپ چهارم، ۱۹۹۲م، ص ۱۷۸ - ۱۸۰.

^{۴۰} - سوره نساء، آیه ۲۰.

^{۴۱} - ستاره تورانتو، ص ۳۱۳ - ۳۱۸.

در صنف زن نیز دیده شده است) آن هم بدون هیچ تفاوت، بطور مسلم ظهور آثار نوع، دلیل بر تحقق خود نوع است، پس صنف زن نیز انسان است، بله این دو صنف در بعضی از آثار مشترک (نه آثار مختصه از قبیل حامله شدن و امثال آن) از نظر شدت و ضعف اختلاف دارند ولی صرف شدن و ضعف در بعضی از صفات انسانیت، باعث آن نمی‌شود که بگوییم نوعیت در صنف ضعیف باطل شده و او دیگر انسان نیست. و با این بیان روشن می‌شود که رسیدن به هر درجه از کمال که برای یک صنف میسر و مقدور است برای صنف دیگر نیز میسر و ممکن است و یکی از مصادیق آن استکمال معنوی، کمالاتی است که از راه ایمان به خدا و اطاعت و تقرب به درگاه او حاصل می‌شود. بنابراین «انی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکرا و انثی، بعضکم من بعض».

نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد زن در ادیان توحیدی و غیرتوحیدی دارای مقام و منزلت متفاوتی است. در آیین بودا زن مانند تمساح و نهنگ مخوف در رود زندگی منتظر می‌نشیند تا شناوری را شکار کند. در آیین تحریف شده یهود، برای زن هیچ‌گونه شخصیت و منزلتی قائل نبودند. البته شکی نیست که تمام پیامبران، مدافع ارزش و مقام زن و مخالف ستم به او بوده‌اند، ولی قانون‌های تحریف شده کتاب‌های مقدس، سبب شد در آیین یهود زن و دختر را مایه ننگ بدانند زن در آیین زرتشت نه انسان، بلکه شیء به شمار می‌آمد. زن به اندازه‌ای کم ارزش بود که حتی در اندیشه و سخن و رفتار از خود اراده‌ای نداشت و دیدیم در آیین مسیحیت نیز گرچه سراسر مهربانی و رحمت است و در آن به مدارا با زنان سفارش شده، ولی پس از تحریف، ارزش زن در آن بسیار پایین آمد. زن شری ضروری،

وسوسه‌ای طبیعی و ... است و زن را همان «حوای مجسم» می‌دانند که آدم را از فردوس برین محروم ساخت و هنوز آلتی در دست شیطان است.

اما با ظهور اسلام، دریچه‌های روشنایی به سوی زن باز شد. در اسلام ارزش ویژه‌ای به زن بخشیده شد و یازده امام را از صلب دخترش رسول خدا(ص) قرار داد.

پیامبر اسلامی با گرامی‌داشت زنان و به ویژه تکریم دخترش فاطمه(س) نقش مؤثری در باطل کردن سنت‌های خرافی جاهلیت داشت. پیامبر(ص) می‌فرماید: «دختران خود را ناپسند بدانید، به درستی که دختران، مونس انسان و گران بهایند.»^{۴۲}

رسول گرامی(ص) در گرامی‌داشت و احترام به دخترش فاطمه(س) پیش‌گام و الگوی دیگران بود و می‌فرماید: «در هدیه دادن به فرزندانان برابری را رعایت کنید، ولی اگر ناگزیرید برخی از آنها را بر دیگری ترجیح دهید، دختران را بر پسران مقدم دارید.»^{۴۳}

برخلاف دیدگاه‌هایی که همسر را همچون شیء می‌دانست و برای او ارزشی قائل نبود. پیامبر گرامی(ص) می‌فرماید: «بهترین شما کسی است که برای زن و دخترانش بهترین باشد.»^{۴۴}

^{۴۲} - لا تکرهوا البتات فانهن المؤمنات الغالیات»، کنز العمال، حدیث ۷۴ ۴۵۳

^{۴۳} - کنز العمال، حدیث ۴۶ ۴۳۵ .

^{۴۴} - مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۴، ص ۵۵.

پس از رسول خدا(ص)، جانشینان آن حضرت، یعنی امامان معصوم(ع) بر کرامت و منزلت زن تأکید کرده‌اند: امام صادق(ع) می‌فرماید: «بهترین زنان کسانی هستند که در هنگام نعمت، شکرگزار باشند و در صورت نداری، راضی و خشنود باشند.»^{۴۵} و نیز می‌فرماید: «مردی که زنان را بیشتر دوست داشته باشد، ایمانش فزونی می‌یابد.»^{۴۶}

حضرت مهدی(عج) می‌فرماید: «دختر پیامبر برای من الگویی نیکوست.»^{۴۷} این اوج شخصیت و ارزش انسانی زن را نشان می‌دهد.

بنابراین پیامبر دین مبین اسلام حضرت محمد(ص) با سیره رفتاری خویش به زنان همچون مردان ارزش بخشید، چنان که در جریان بیعت، زنان نیز هم‌پای مردان، با ایشان بیعت کردند. در جریان ظهور و قیام منجی جهان نیز خواهند بود و بر اساس روایت، پنجاه زن در رکاب ایشان به همراه مردان، خواهند جنگید. در سرتاسر قرآن کریم از زنان، همسان و هم‌دوش با مردان یاد شده است، آنجا که می‌خوانیم: «همانا کلیه مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان راستگوی و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خدا ترس و خاشع و مردان و زنان خیرخواه مسکین‌نواز و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان خوددار از تمایلات حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند، برای همه‌ی آنها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است.»^{۴۸}

^{۴۵} - کشکول، ج ۲، ص ۵۰.

^{۴۶} - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹.

^{۴۷} - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۰.

^{۴۸} - احزاب، آیه ۳۵.

کلام آخر

خلاصه اینکه صدق و ایمان، خشوع و صبر و تمام برتری‌ها و ویژگی‌ها در دین مبین اسلام میان مردان و زنان به صورت برابر بیان شده و این نشان‌دهنده‌ی استعداد و توانایی زنان در رسیدن به مراتب والای کمال و قرب الهی است. نیک به خاطر داریم که حضرت امام خمینی(ره) فرمودند: از دامن زن، مرد به معراج می‌رود.

منابع

- . اپستین، لوئیس، ازدواج در یهودی، نیویورک ۱۹۷۳ م.
- . انجیل عیسی، ترجمه تفسیری عهد جدید، تهران: (بی نا)، ۱۳۵۷.
- . بداوی، لایلا، زن در دین اسلامی، لندن ۱۹۹۴ م.
- . تلمود (Talmud): مجموعه سنتهای ربانی که قوانین و مقررات حضرت موسی(ع) را شرح و تفسیر می کند.
- . حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریفه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق = ۱۹۸۳ م.
- . سویدلر، زن در یهود.
- . ستاره تورانتو، ۱۹۹۵ م.
- . سابق، سید، فقه السنه؛ مردم سالاری ۱۳۸۷.
- . قرآن مجید.
- . کارمودی، دنیس، یهودیت.
- . متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق = ۱۹۸۱ م.
- . مجلسی، باقر بن محمدتقی، بحارالانوار.
- . مواظ سلیمان.

. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا النوری الطبرسی، قم:

موسسه آل البيت(ع) الاحيا التراث، ۱۴۱۲ق = ۱۹۹۱م.

. نبی حسینی، محمدصادق، ادیان و مذاهب جهان.

. هازلتون، لسلی، زنان اسرائیلی.